

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ی. و. ستالین
برگردان از: آمادور نویدی
۱۴ جنوری ۲۰۲۲



اپوزسیون تروتسکی در گذشته و حال

۸- بازگشت به آکسلرود

این سخنرانی در جلسهٔ پلنوم مشترک کمیتهٔ مرکزی و کمیسیون کنترل مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) (۱) در تاریخ ۲۳ اکتوبر سال ۱۹۲۷ ایراد شده است.
منبع: آثار، جلد ۱۰، اگست - دسمبر ۱۹۲۷
ناشر: انتشارات زبان‌های خارجی، مسکو، ۱۹۵۴
رونوشت/نشانه گذاری: سالیل سن برای ام آی ای، ۲۰۰۹
حوزهٔ عمومی: آرشیو اینترنتی مارکسیست‌ها (۲۰۰۹).
کپی، توزیع، و نمایش و اجراء (ترجمه)؛ همچنین سرقت ادبی و فروش آن آزاد است. لطفاً «آرشیو اینترنتی مارکسیست‌ها» به عنوان منبع معتبر ذکر شود.

فهرست:

- ۱- برخی مسائل جزئی
- ۲- «برنامه» اپوزسیون
- ۳- لنین دربارهٔ مناظره‌ها و اپوزسیون به طور کلی

۴- اپوزسیون و «نیروی سوم»

۵- چگونه اپوزسیون برای کنگره «آماده می‌شود»

۶- از لنینیسم تا تروتسکیسم

۷- برخی از مهم‌ترین نتایج سیاست حزب در چند سال گذشته

۸- بازگشت به آکسلرود

مسئله بعدی:

۸- بازگشت به آکسلرود

امکان دارد به ما بگویند که همه چیز خیلی خوب است. خط اپوزسیون اشتباه، و خطی ضدحزبی است. تاکتیک‌های آن را هیچ چیز دیگری غیر از تاکتیک‌های تفرقه‌انگیز نمی‌توان نامید. بنابراین، اخراج زینوویف و تروتسکی، مسیری طبیعی جهت خروج از شرایط موجود است. همه این‌ها درست است.

ولی زمانی بود که همه ما می‌گفتیم رهبران اپوزسیون باید در کمیته مرکزی حفظ شوند، و این‌که نباید اخراج گردند. حالا چرا این امر باید تغییر یابد؟ چگونه می‌توان این چرخش را شرح داد و آیا درکل چرخشی وجود دارد؟ آری، وجود دارد. چگونه باید این امر را شرح داد؟ بدین دلیل که در سیاست اساسی و «برنامه» سازمانی رهبران اپوزسیون تغییرات رادیکالی اتفاق افتاده است. رهبران اپوزسیون، و در وهله اول تروتسکی، به بدترین نحوی تغییر یافته‌اند. طبیعتاً، این امر ملزم به ایجاد تغییر در سیاست حزب نسبت به اپوزسیون می‌شود.

برای مثال، اجازه دهید، یک چنین مسأله مهم اصلی مانند انحطاط حزبمان را در نظر بگیریم. معنای انحطاط حزبمان چیست؟ یعنی انکار وجود دیکتاتوری پرولتاریا در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است. موضع تروتسکی در این باره، مثلاً بگوئیم حدود سه سال پیش چه بود؟ شما می‌دانید که در آن زمان لیبرال‌ها و منشویک‌ها، اسمنا - وخیست‌ها (۱۲) و همه انواع خائن‌ها و مُرتدها مدام تکرار می‌کردند که انحطاط حزبمان حتمی الوقوع است. شما می‌دانید که در آن زمان مثال هائی از انقلاب فرانسه نقل می‌کردند و ادعا می‌کردند که که بلشویک‌ها از همان سقوطی رنج می‌برند که ژاکوبین‌ها در زمان خود در فرانسه متحمل شدند. شما می‌دانید که مقایسه تاریخی با انقلاب فرانسه (سقوط ژاکوبین‌ها) در گذشته و امروز استدلال اصلی مطرح شده توسط همه منشویک‌ها و اسمنا - وخیست‌های گوناگون علیه حفظ دیکتاتوری پرولتاریا و امکان ساخت سوسیالیسم در کشورمان بود. گرایش تروتسکی نسبت به این در سه سال گذشته چگونه بود؟ تروتسکی قطعاً مخالف چنین تشبیهاتی بود. این هم چیزی است که تروتسکی در آن زمان در جزوه دوره جدید خود (در سال ۱۹۲۴) نوشت:

«تشبیهات تاریخی با انقلاب کبیر فرانسه (سقوط ژاکوبین‌ها!)، که لیبرالیسم و منشویسم استفاده می‌کنند و خودشان را با آن دل‌داری می‌دهند، ظاهری و غلط است» (نگاه کنید به جزوه «دوره جدید»، صفحه ۳۳).

واضح و روشن! فکر می‌کنم مشکل شود کسی را دقیق‌تر و قطعی‌تر از این توصیف نمود. آیا تروتسکی آن چیزی را که آن زمان وی درباره تشبیهات تاریخی با انقلاب فرانسه با متعصب‌های پیشرفته انواع اسمنا - وخیست‌ها و منشویک‌ها می‌گفت درست بود؟ قطعاً درست بود.

اما اینک؟ آیا تروتسکی هنوز همان موضع را دارد؟ متأسفانه، خیر، وی این موضع را ندارد. به عکس، حتی در مدت این سه سال گذشته تروتسکی توانسته است که در جهت «منشویسم» و «لیبرالیسم» توسعه یابد. اینک خود تروتسکی

ادعا می‌کند که ترسیم تشبیهات تاریخی با انقلاب فرانسه نشانه منشویسم نیست، بلکه نشانه «واقعی»، و «اصیل» «لنینیسم» است.

آیا شما گزارش دقیق جلسه هیأت اجرائی کمیسیون کنترول مرکزی را خوانده اید که در جولای امسال برگزار شد؟ اگر این گزارش را خوانده باشید، شما به آسانی درک می‌کنید که تروتسکی اینک در مبارزه اش علیه حزب، خودش را به اساس نظریه های منشویکی در مورد انحطاط حزبمان به اساس خطوط سقوط ژاکوبین ها در دوره انقلاب فرانسه استوار می‌سازد. امروزه، تروتسکی فکر می‌کند که چرند گفتن در مورد «ترمیدور» نشانه ای از خوش‌سلیقگی است. از تروتسکیسم تا «منشویسم» و «لیبرالیسم» در مسأله اساسی انحطاط – این مسیری است که تروتسکیست‌ها در طول سه سال گذشته سیر کرده اند.

تروتسکیست‌ها تغییر یافته اند. سیاست حزب نسبت به تروتسکیست‌ها نیز باید تغییر کند.

الان اجازه بدهید به مسأله ای که کم اهمیت نیست، مانند سازمان‌دهی، انضباط حزبی، اطاعت اقلیت از اکثریت و نقشی را در نظر بگیریم که انضباط آهنین حزب در تقویت دیکتاتوری پرولتاریا بازی می‌کند. همه واقفند که انضباط آهنین در حزبمان یکی از شرایط اساسی جهت حفظ دیکتاتوری پرولتاریا و موفقیت در ساخت سوسیالیسم در کشور مان است.

همه واقفند که اولین کاری که منشویک‌ها در همه جا تلاش می‌کنند انجام دهند، اینست که انضباط آهنین را در حزب تضعیف نمایند. زمانی بود که تروتسکی اهمیت انضباط آهنین در حزبمان را درک می‌کرد و قردانی می‌نمود. به بیان دیگر، اختلافات بین حزبمان و تروتسکی هرگز قطع نشد، اما تروتسکی و تروتسکیست‌ها به اندازه کافی باهوش بودند که مطیع تصمیمات حزبمان باشند.

همه از اظهارات مکرر تروتسکی واقفند که، مهم نیست که حزبمان چه باشد، تروتسکی آماده است که هر موقع که حزب دستوری دهد «توجه دیگران را به خودش جلب نماید» و باید گفته شود که تروتسکیست‌ها اغلب موفق می‌شدند که به حزب و بدنه رهبری آن وفادار باقی بمانند.

اما اکنون چی؟ آیا می‌توان گفت که تروتسکیست‌ها، اپوزسیون فعلی، آماده است مطیع تصمیمات حزب شود، توقف و توجه کند و دست از شلوغ‌کاری بردارد؟ خیر. دیگر نمی‌توان این‌را گفت. بعد از این‌که تروتسکیست‌ها قول‌های خودشان مبنی بر مطیع تصمیمات حزب بودن را زیر پا گذاشته اند، بعد از این‌که تروتسکیست‌ها چاپ‌خانه انتشارات غیرقانونی را در همکاری با روشن‌فکران بورژوازی سازمان‌دهی کردند، بعد از این‌که زینویف و تروتسکی از همین تریبون اظهارات مکرری کردند که آن‌ها انضباط حزبمان را زیر پا می‌گذارند و این کار را ادامه می‌دهند - پس از همه این‌ها، باید شک و تردید کرد فردی در حزبمان پیدا شود که باور داشته باشد رهبران اپوزسیون آماده هستند تا در برابر حزب دست از شلوغ‌کاری بردارند.

اپوزسیون اینک به خط جدیدی تغییر کرده است، خط انشعاب حزب، خط ایجاد یک حزب جدید. مشهورترین جزوه در میان اپوزسیون در حال حاضر جزوه بلشویکی لنین یک گام به جلو، دو گام به عقب نیست (۱۳)، بلکه جزوه منشویکی قدیمی تروتسکی وظیفه سیاسی ما (منتشر شده در سال ۱۹۰۴) است که در مخالفت با جزوه اصول تشکیلاتی لنین یک گام به جلو، دو گام به عقب نوشته شده است.

شما می‌دانید که ماهیت آن جزوه قدیمی تروتسکی، رد برداشت لنینیستی از حزب و انضباط حزبی است. تروتسکی در آن جزوه لنین را هرگز چیزی جز «ماکسمیلیان لنین» نمی‌خواند، یعنی اشاره به این نکته که لنین، ماکسیمیلیان روبسپیر دیگری است، که مانند وی برای دیکتاتوری شخصی تلاش می‌کند. تروتسکی در آن جزوه بروشنی می‌گوید که انضباط

حزبی فقط باید در حدی اعمال شود که تصمیمات حزبی با امیال و دیدگاه‌های کسانی که از آن‌ها خواسته می‌شود مطیع حزب شوند، در تضاد نباشد. این امر یک اصل سازمانی صرفاً منشویکی است. اتفاقاً، آن جزوه جالب است، برای این‌که تروتسکی آن‌را به پ. آکسلرود تقدیم کرد. به همین دلیل است که تروتسکی می‌گوید: «تقدیم به معلم عزیزم پاول بوریسویچ آکسلرود» (خنده. صداها: «یک منشویک کامل»).

از وفاداری به حزب گرفته تا سیاست انشعاب حزب، از جزوه لنین یک گام به جلو، دو گام به عقب تا جزوه وظیفه سیاسی تروتسکی، از لنین تا آکسلرود- چنین است آن مسیر سازمانی که اپوزسیون ما پیموده است.

تروتسکیست‌ها تغییر کرده اند. سیاست سازمانی حزب نسبت به تروتسکیست‌ها نیز باید تغییر پیدا کند.

خوب، یک آزادی خوب! برو پیش «استاد عزیزت پاول بوریسویچ!» یک آزادی خوب! فقط شتاب کن، سزاوارترین تروتسکی، برای این‌که، «پاول بوریسویچ»، با توجه به سال‌خوردگی‌اش، ممکن‌ست بزودی بمیرد، و امکان دارد که شما به موقع به «استادت» نرسی. (تشویق‌های طولانی).

پراودا، شماره ۲۵۱، ۲ نومبر ۱۹۲۷.

برگرداننده شده از:

The Trotskyist Opposition Before and Now

By: J. V. Stalin

<https://www.marxists.org/reference/archive/stalin/works/1927/10/23.htm>

منابع:

(۱) -پلنوم مشترک کمیته مرکزی و کمیسیون کنترل مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) در ۲۱-۲۳ اکتور ۱۹۲۷ برگزار شد. در این اجلاس پیش‌نویس قطعنامه‌های ارائه شده توسط دبیرخانه سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) درباره موضوعات دستور کار کنگره پانزدهم حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک)، از جمله: رهنمودهای تهیه برنامه پنج ساله جهت اقتصاد ملی؛ کار در حومه شهر به بحث گذارده و تصویب شد.

پلنوم انتصاب گزارش‌گران را تأیید نمود، تصمیم به بحث در حزب را آغاز نمود، و تصمیم گرفته شد که قطعنامه‌های کنگره پانزدهم را جهت بحث در جلسات حزبی و مطبوعات منتشر کند.

با توجه به حمله رهبران اپوزسیون تروتسکی و زینوویف علیه مانیفیست صادر شده توسط کمیته اجرائی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به مناسبت دهمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتوبر بزرگ، به ویژه علیه موضوع کاربرد هفت ساعت کار روزانه، پلنوم به بحث در باره این مشکل پرداخته و اعلام کرد دبیرخانه دفتر سیاسی کمیته مرکزی در ابتکار خود در انتشار مانیفیست هیأت اجرائی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درست عمل کرده است و خود مانیفیست را تأیید نمود.

پلنوم گزارشی از هیأت رئیسه کمیسیون کنترل مرکزی درباره فعالیت‌های فراکسیونی تروتسکی و زینوویف پس از پلنوم اگست (۱۹۲۷) کمیته مرکزی و کمیسیون کنترل مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

(بلشویک) شنید. در طول بحث روی این موضوع در جلسه پلنومی که در ۲۳ اکتوبر برگزار شد، ی. و. استالین این سخنرانی زیر را ایراد نمود:

«اپوزسیون تروتسکی در گذشته و حال.» جهت فریب حزب و راه اندازی مبارزه فراکسیونی علیه آن، پلنوم تروتسکی و زینویف را از کمیته مرکزی اخراج کرد و تصمیم گرفت که همه مدارک مرتبط با فعالیت‌های تفرقه افکنانه رهبران اپوزسیون تروتسکی - زینویف را به پانزدهمین کنگره حزب ارائه دهد. جهت دیدن قطعنامه‌ها و تصمیمات پلنوم، به قطعنامه‌ها و تصمیمات به کنفرانس‌ها و پلنوم‌های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قسمت دوم، صفحات ۲۷۵-۳۱۱، سال ۱۹۵۳ مراجعه کنید).

(۲) - و. آی. لنین، «نامه ای به اعضای حزب بلشویک» و «نامه ای به کمیته مرکزی حزب سوسیال دمکرات کارگران روسیه» (نگاه کنید به چاپ چهارم آثار، جلد ۲۶، صفحات ۸۸-۱۵۸ و ۹۶-۱۹۲).

(۳) - وی. آی. لنین، گزارش فعالیت‌های سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) (نگاه کنید به آثار منتخب، چاپ ۴ روسیه، جلد ۳۲، ص. ۱۵۲).

(۴) - وی. آی. لنین، پاسخ به بحث درباره گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه (بلشویک)، ۹ مارچ ۱۹۲۱ (نگاه کنید به آثار منتخب، چاپ ۴ روسیه، جلد ۳۲، صفحات ۱۷۰، ۱۷۷).

(۵) - نوایا ژین (زندگی جدید) - یک روزنامه منشویکی بود که از اپریل ۱۹۱۷ در وتروگراد منتشر می‌شد، و در جولای ۱۹۱۸ بسته شد.

(۶) - گروه مایاسنیکوف - یک گروه ضدانقلابی زیرزمینی بود که خودش را «گروه کارگران» می‌نامید. در سال ۱۹۲۳ توسط جی. مایاسنیکوف و دیگرانی که از حزب کمونیست شوروی (بلشویک) اخراج شده بودند در مسکو تشکیل شده بود و اعضای خیلی کمی داشت، و در همان سال منحل شد.

(۷) - وُردرتس (فوروارد - به پیش) - نشریه، ارگان حزب سوسیال دمکرات المان، از سال ۱۸۷۶ تا ۱۹۳۳ منتشر می‌شد، که پس از انقلاب سوسیالیستی اکتوبر بزرگ، به مرکز تبلیغات ضد شوروی تبدیل گشت.

(۸) - این به شورشهای ضدانقلابی اشاره می‌کند که در گرجستان در ۲۸ اگست ۱۹۲۴ شروع شد و توسط بقایای احزاب بورژوا-ناسیونالیست و «دولت» منشویک خارج از کشور در شمال اردن و با رهبری و کمک مالی کشورهای امپریالیستی و رهبران انترناسیونال دوم سازماندهی شده بودند. این شورش‌ها در ۲۹ اگست، یکروز پس از آغاز، با کمک فعال کارگران و دهقانان رنجبر گرجستان فرونشست.

(۹) - این امر به حمله مسلحانه دسته ای از سربازان و پولیس چینی به سفارت شوروی در بیجینگ در ۶ اپریل ۱۹۲۷ اشاره می‌کند. این حمله توسط امپریالیست‌های خارجی، و با هدف تحریک یک درگیری مسلحانه بین چین و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی انجام گرفت.

(۱۰) - این امر به حمله یورش پولیس به هیأت تجاری شوروی و آکروس (انجمن همکاری انگلیس و روسیه) در لندن اشاره دارد، که در ۱۲ مه ۱۹۲۷، به دستور دولت محافظه کار بریتانیا انجام گرفت.

(۱۱) - این امر به کارزار ضدشوروی در فرانسه در پائیز ۱۹۲۷ اشاره دارد. این کارزار از دولت فرانسه الهام گرفت، که از انواع فعالیت‌های ضدشوروی حمایت می‌کرد، و کارزار تهمت علیه نمایندگان رسمی شوروی و مؤسسات در پاریس را هدایت کرد، که قطع روابط دیپلماتیک بریتانیا با اتحاد جماهیر شوروی را به نفع خود دید.

(۱۲) - اسمنا- وخیست‌ها، نمایندگان یک جریان سیاسی بورژوازی بودند که در سال ۱۹۲۱ در میان روشنفکران گاردسفید روسیه به وجود آمد که در خارج زندگی می‌کردند. رهبری آن با گروهی متشکل از ان. استریالوف، وای.

کلوچنیکوف، و دیگران بود، که مجله اسمنا- ویخ (وقایع برجسته) را منتشر می‌کردند. اسمنا- وخیست‌ها نظرات بورژوازی و روشنفکران نو در روسیه را بیان می‌کردند، که معتقد بودند، به علت معرفی سیاست اقتصادی جدید(نپ) سیستم شوروی کم کم به دمکراسی بورژوازی تنزل پیدا می‌کند. (در مورد اسمنا- وخیست‌ها، نگاه کنید به آثار لنین، چاپ چهارم روسی، جلد ۳۳، صفحات ۲۵۷- ۲۵۶، و ی. و. آثار ستالین، جلد ۷، صفحات ۳۵۰-۵۱، و جلد ۹، صفحات ۷۳-۷۴).

(۱۳)- نگاه کنید به آثار لنین، چاپ چهارم روسی، جلد ۷، صفحات ۱۸۵-۳۹۲.